



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان
سیمای قارون در ادبیات فارسی تا قرن هشتم

استاد راهنما
جناب آقای دکتر غلام علی فلاح

استاد مشاور
سرکار خانم دکتر منظر سلطانی

دانشجو
فریبا بردبار

شهریورماه ۱۳۹۱



تقديم به

اديبان و ادب‌دوستان ايران
اسلامی

و گلگون کفنان این مرز و بوم
که آرامش آفرینان مسیر سبز
دانشاندوزی اند.

تشکر و قدردانی

باسپاس یزدان

با سپاس از جناب آقای دکتر غلام علی فلاح،
استاد محترم راهنما که با محبت‌های استادانه
خود یاری‌رسان من در تحریر این پژوهش بودند و
با سپاس بی‌پایان از راهنمایی‌های مشفقانه
سرکار خانم دکتر منظر سلطانی که با لطف

بی‌نهایت خود مشاوری این پایان‌نامه را قبول کرده و در این راه از هیچ کمکی دریغ نکردند. برای این عزیزان از درگاه پروردگار بی‌همتا، سلامتی و توفیق روزافزون آرزو می‌کنم.

فهرست

صفحه	عنوان
:	بخش کلیات
ب	چکیده
ت	مقدمه
د	مساله پژوهش
د	پرسش‌های پژوهش
د	فرضیه پژوهش
د	پیشینه پژوهش
ذ	روش پژوهش

:

دوم

بخش

قارون در تاریخ

۲.۱. نام و نسب..... ۲

۲.۲. خصوصیات اخلاقی و رفتاری قارون..... ۳

۲.۳. رفتار قارون با مردم..... ۵

۲.۴. توطئه قارون و اجیر کردن زن زناکاری برای ریختن
آبروی موسی(ع)..... ۷

۲.۵. سرانجام و عاقبت قارون..... ۹

۳.۱. قارون در قرآن..... ۱۰

۳.۲. قارون در کتب مقدس..... ۱۲

۳.۳. تفسیر داستان قارون..... ۱۴

۳. تفسیر نسفی..... ۱۴

۳. تفسیر نور..... ۱۶

۳. تفسیر قرآن براساس نسخه کمبریج..... ۱۶

۳. مجمع البیان..... ۱۷

۳. تفسیر موضوعی قرآن مجید..... ۱۷

۳. تفسیر جامع..... ۲۱

۳. تفسیر نور..... ۲۵

۳. تفسیر المیزان..... ۲۶

:

سوم

بخش

قارون در ادبیات فارسی

۳. قارون در ادبیات فارسی..... ۲۹

۳.۱. فردوسی..... ۳۰

شاهنامه..... ۳۰

۳.۲. فرخی..... ۳۰

۳.۳. عنصری..... ۳۲

۳.۴. منوچهری..... ۳۳

۳.۵. ناصر خسرو..... ۳۴

۳.۶. مسعود سعد..... ۳۴

۳.۷. سنایی..... ۳۶

دیوان اشعار..... ۳۶

حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه..... ۴۱

۳.۸. انوری..... ۴۲

۳.۹. خاقانی..... ۴۸

۳.۱۰. نظامی..... ۴۹

لیلی و مجنون..... ۴۹

مخزن الاسرار..... ۴۹

خسرو و شیرین..... ۵۰

شرفنامه..... ۵۱

۳.۱۱. عطار..... ۵۲

۵۲	منطق الطير
۵۴	الهی نامه
۵۵	مصیبت نامه
۵۸	۳.۱۲. مولوی
۵۸	غزلیات شمس
۵۹	مثنوی
۶۴	۳.۱۳. سعدی
۶۴	غزلیات
۶۴	بوستان
۶۶	۳.۱۴. حافظ
۶۷	متون منثور
۶۷	۳.۱۵. هجویری
۶۷	کشف المحجوب
۶۸	۳.۱۶. عنصر المعالی کیکاوس
۶۸	قابوسنامه
۶۸	۳.۱۷. محمد غزالی
۶۸	احیاء علوم الدین
۶۹	۳.۱۸. شمس تبریزی
۶۹	مقالات
۶۹	۳.۱۹. میبدی
۷۰	کشف الاسرار و عده الابرار
۷۰	۳.۲۰. جوینی
۷۱	تاریخ جهانگشا
۷۱	۳.۲۱. سعدی
۷۱	گلستان
۷۲	۳.۲۲. مستوفی
۷۲	تاریخ گزیده
	جدول و نتیجه	بخش چهارم : گیری
۷۴	نتیجه گیری
۷۵	جدول
۷۷	منابع و مآخذ
۸۱	چکیده انگلیسی (Abstract)

بخش اول

کلیات

چکیده

قارون، یکی از شخصیت‌های تاریخی و داستانی در ادبیات فارسی است که تأثیر نسبتاً زیادی در متون مختلف داشته است. اولین حضور او در کتب دینی است و بعد از آن می‌توان انعکاس سیمای او را در متون تاریخی و ادبی مشاهده کرد. این انعکاس بیشتر متأثر از شخصیت عبرت‌آموز اوست. او در متون دینی به عنوان شخصیتی سرکش و طغیانگر در تقابل با موسی(ع) حضور یافته است. اما حضور او در متون ادبی تنها به این ویژگی او ختم نمی‌شود و ما با ابعاد مختلف شخصیت و زندگی او در آثار ادبی مواجه هستیم. در این پژوهش کوشیده‌ایم تا حد امکان، با استفاده از منابع درجه اول سیمای قارون را در متون دینی، تفاسیر و تاریخ بررسی کنیم. در بخش بعدی این پایان نامه که هدف اصلی این پژوهش است به شناسایی ابعاد سیمای قارون در متون ادبی منظوم و منثور تا قرن هشتم پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، کتب دینی، تفاسیر، قارون

مقدمه

به جهت ویژگی منحصر به فرد قرآن کریم که سرشار از نکات حکمت‌آموز است؛ خداوند در لابلای مفاهیم ارزشمند و متعالی قرآن به جهت فهم پذیر بودن آموزه‌ها آن‌ها را با داستان‌هایی از تاریخ امامان و پیامبران الهی عجین کرده است. این داستان‌ها، در متون ادبی و عرفانی نیز انعکاس یافته‌اند. از داستان حضرت ابراهیم گرفته تا داستان حضرت مریم، حضرت یوسف پیامبر و همین داستان حضرت موسی و برخورد او با قارون به مراتب در کتب داستانی ادبی و عرفانی شاهد آن هستیم.

«قارون»، یکی از شخصیت‌های داستانی در کتب دینی است. «بزرگترین اشتباه در بررسی شخصیت‌های داستانی اصرار بر واقعی بودن آن‌هاست. هیچ شخصیتی در کتاب یک شخص، واقعی نیست. حتی اگر در یک کتاب تاریخ باشد. شخصیت‌های داستان، شبیه آدم‌های واقعی‌اند؛ در عین حال به آن‌ها شباهتی ندارند. در حکایت‌های غیر واقع‌گرایانه و رمانس‌ها، شخصیت، معمولاً به صورت طرحی کلی ترسیم می‌شود و نه به صورتی چند بعدی، این شخصیت‌ها معمولاً بی‌نهایت زیبا هستند؛ یا زشت، نیکاند یا بدنهاد. شخصیت‌های داستانی برآیند دو تکانه‌اند؛ تکانه فردیت بخشی و تکانه نمونه نوعی تیپ‌سازی. شخصیت‌های بزرگ به یاد ماندنی برآیند پر قدرت این دو تکانه‌اند. در داستان رمزی، شخصیت‌ها بیشتر نماینده دیدگاه فلسفی‌اند.» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۳۲-۱۳۴). همراهی قارون و موسی در قرآن کریم و ماجراهایی که

در جریان این رویارویی اتفاق می‌افتد، بارها و بارها در آثار مختلف پرداخته و بررسی شده است. قارون نیز به مانند سایر شخصیت‌های پرتکرار داستانی تبدیل به بن‌مایه شده است. پارسانسب (۱۳۸۸: ۲۲-۳۰) بن‌مایه‌های داستانی را عناصر ساختاری-معنایی از نوع کنش‌ها، اشخاص، حوادث، مفاهیم، مضامین، اشیاء، نمادها و نشانه‌ها در قصه‌ها می‌داند که بر اثر تکرار به عنصری تیپیک و نمونه‌وار بدل شده است. به عقیده او بن‌مایه‌ها در موقعیت روایی خاص و معمولاً به سبب تکرار شونده‌گی، برجستگی و معنای ویژه می‌یابند و حضورشان در قصه موجب بسط حجمی آن، زیبایی روایت و تقویت جاذبه داستانی و درون‌مایه قصه می‌شود. بن‌مایه‌ها را به دلیل تعدد و تنوعی که دارند می‌توان به عناوین اصلی مانند: اشخاص، حوادث، مفاهیم، مضامین، اشیاء، نمادها، مکان‌ها و... تقسیم کرد و برای هر عنوان اصلی زیرعنوان‌هایی در نظر گرفت. اشخاص واقعی- انسانی شامل شخصیت‌های حقیقی: شیخ، مرید، ابله، دیوانه، عاشق، معشوق، محمود، ایاز و... شخصیت‌های نمادین: جوحی، ایاز، حاتم طایی و از این دست. با این تفاسیر قارون نیز تبدیل به یک شخصیت تکرار شونده در متون ادبی و داستانی شده است. او از خاندان بنی‌اسراییل است و در کتب مقدس نیز حضور او را با نام «قورح» شاهد هستیم.

در برخی کتب وجه تسمیه قارون را قرین بودن او با فرعون نوشته‌اند. نام در شکل‌گیری شخصیت، تأثیر قابل توجهی دارد. نامگذاری قارون یا قورح در حقیقت بازگوکننده بخشی از شخصیت اوست. اهمیت مسئله نام‌شناسی از دیدگاه زبان‌شناسان اجتماعی تا جایی است که عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر (سده ۵۰۰ ه. ق) و نیز بسیاری از علاقه‌مندان به مسئله نام و نام‌گذاری به اهمیت نام‌گذاری برای فرزندان اشاره نموده‌اند

و انتخاب نام خوش براي فرزند را از وظايف مهم پدر و مادر مي‌دانستند. اين نام‌شناسان عمل‌گرا، بر پايه اصل تأثير متقابل عين و ذهن بر يکديگر از ديدگاه هم‌زمانی، نام‌هاي گردآورده خود را تجزيه و تحليل کرده‌اند. آن‌ها، معتقدند: نام‌گذاري‌هاي هر شخص با ويژگي‌هاي محيط عيني و ذهني او در ارتباط قرار مي‌گيرد. به بيان ديگر هر نام با دنياي مادي و ذهني نام‌گذارنده و به کاربرنده نام بستگي دارد؛ از اين رو در کار نام‌شناسي خود به دو زمينه روان‌شناسي گروهی و جامعه‌شناسي توجه مي‌کنند تا ساخت جامعه و شرايط و موقعيت افراد در جامعه را دريابند و براي اين‌کار، عواملی چون مهاجرت‌ها، چندزبانگي‌ها، تأثير اديان، گروه جغرافيايي و خاستگاه خود، گروه شغلي، طبقه اجتماعي او، موقعيت فرد و رابطه وي با خانواده‌اش و از اين گونه را مورد بررسي قرار مي‌دهند. آنان به طور کلي معتقدند که نام‌گذاري مانند هر چيز انساني ديگر داراي هدف است و گروه‌هاي مختلف جامعه ايستارها و رفتارهاي متفاوتي نسبت به نام‌گذاري و به کار بردن نام‌ها دارند. هر نام به وسيله ميزان شناخت ارزش‌گذاري و انگيزش کلي جامعه و يا گروهی از جامعه نسبت به آن مشخص مي‌شود علاوه بر اين‌ها نام‌هاي مربوط به هر دوره از تکامل جامعه با کل شرايط آن زمان جامعه (يعني با بافت کلي آن زمان جامعه) بستگي دارد. (ايماني، ۱۳۶۲: ۱۳-۱۴)

شخصيت ثروتمند قارون و رفتار و برخورد او با موسی در تفاسير، کتب قصص داستانی، حکايات دامنه داری را به خود اختصاص داده است. «تئودور گودمن بر آن است که: قصه، اجتماعي است که در خلوت آزموده مي‌شود. گفته اين منتقد آمريکايي از چند نظر مهم است: يکي اين‌که، قصه خود يك اجتماع است به دليل اين‌که از آدم‌هايي تشکيل شده است که نسخه اصلي‌شان را

می‌توان در زندگی عادی و در اجتماع پیدا کرد. ثانیاً، یک اجتماع تشکیل نمی‌شود مگر این‌که هر یک از افراد مقداری از وظایف و امور اجتماعی را برعهده بگیرند و برای انجام کارها تشکیلات خاصی راه بیندازند. قصه نیز به نوبه خود اجتماعی است متشکل از آدم‌هایی با وظایف مختلف. بر این اجتماع نیز هماهنگی حکمفرمایی می‌کند. گرچه در محدوده قصه، آدم‌ها، شبه آدم‌ها، عمل‌ها، شبه عمل، حوادث، شبه حادثه، زندگی، شبه زندگی و بالاخره واقعیت، شبه واقعیت هستند؛ ولی خواننده طوری در حوادث داستان غرق می‌شود که گویی در یک اجتماع واقعی زندگی می‌کند و یا گویی در خلوت خانه ذهن خود اجتماعی متشکل و منظم و هماهنگ را تجربه می‌کند (براهنی، ۱۳۶۸: ۲۴۴-۲۴۵). هر مفسری از زبان خود به قارون و داستان او با موسی (ع) اشاره کرده است. اما نوع نگرشی که قرآن، تفاسیر، کتب داستانی و ادبی به شخصیت قارون داشته‌اند؛ با یکدیگر متمایز و قابل تفکیک است. با این رویکرد و نگرش؛ به انعکاس شخصیت قارون در متون ادبی پرداخته‌ایم. اما پیش از آن، سیمای این شخصیت را در متون دینی و کتب تفاسیر بررسی کرده‌ایم تا اگر تفاوتی در نوع نگرش به قارون وجود دارد آشکار شود؛ در عین حال با آگاهی از پیشینه و سابقه تاریخی و دینی این شخصیت، بهتر خواهیم توانست به بررسی او در متون ادبی بپردازیم.

شعر و ادبیات همیشه در طول دوران‌های متمدنی و امدار قصص و داستان‌های قرآنی بوده است. این تأثیر پذیری از منظرهای مختلف بوده است؛ گاه معجزات و اتفاقات زندگانی پیامبران و شخصیت‌های قرآنی مورد توجه بوده است و گاه نوع رابطه این شخصیت‌ها با مردم و در تمام موارد نتیجه قرآنی که خداوند

از آن داستان مورد نظرش بوده است، هدف داستان پرداز قرار گرفته است.

پیش از شروع بحث لازم است توضیحی درباره تلمیح در ادبیات داده شود.

تلمیح، در لغت به معنای با گوشه چشم اشاره کردن و چشم بر هم زدن است. از ریشه لمح و لمح که به معنای چشم برهم زدن است. البته عموماً به صورت (کلمح بالبصر) به کار می‌رود. در اصطلاح شیوه‌ای از سخنوری است که سخنور در ضمن سخن خویش به داستان، حدیث، آیه، ضرب المثل و یا کلامی مشهور اشاره کند. از آنجا که تلمیح می‌تواند معانی بسیار و گسترده را در کمترین کلمات بگنجاند از جهت هنر سخنوری بسیار مهم و قابل توجه است؛ چون آوردن یک تلمیح در کلام یعنی گنجاندن یک داستان در سخن (محبتی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). به بیانی دیگر تلمیح، اشاره به داستانی در کلام است و دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد؛ زیرا اولاً: ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً: بین اجزا داستان تناسب وجود دارد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

بنابر تعاریف ارائه شده تلمیح را اینگونه می‌توان خلاصه کرد که شاعر به یک آیه، حدیث، واقعه یا اسطوره به طور غیرمستقیم اشاره کند، بدون آنکه قصد بیان آن آیه، حدیث، واقعه یا اسطوره را داشته باشد. در واقع شاعر میان بیان موضوع شعر خود و آن آیه یا حدیث مشابهت یا مناسبتی می‌یابد و به آن اشاره‌ای گذرا و نه مستقیم می‌کند. در این پژوهش نیز ما به تلمیحاتی پرداخته‌ایم که خواسته و ناخواسته در شعر شاعران در رابطه با قارون نوشته شده است.

از آنجا که فرهنگ اسلامی آمیختگی زیادی با کتاب آسمانی دارد و شاعران و نویسندگان تأثیر پذیر از فرهنگ دینی و اسلامی هستند، به مرور زمان در دیوان شاعران در کنار پرداختن به اسطوره‌های ملی و حماسی، داستان پیامبران و امامان و شخصیت‌های قرآنی مطرح شد. در دیوان شاعران قرن ۴ پرداختن به اساطیر ملی رواج بیشتری دارد و این مسئله به دلیل آنست که شاعران این دوره بیشتر مداح‌اند و هدف پادشاهان آنست که بیشتر به نژاد ملی نزدیک شوند و از شخصیت‌های اسطوره‌ای ایرانی چون زرتشت، فریدون بیشتر نام برده می‌شود. از اواخر این قرن و ابتدای قرن پنچ با آنکه نسبت اساطیر ایرانی زیاد است؛ اما در کنار آن، قصص و شخصیت‌های داستانی قرآنی وارد دیوان‌های شاعران می‌شود. کم کم در همین دوره با ورود سلاطین و پادشاهان ترک نژاد و غلبه آن‌ها بر ایرانیان، مظاهر دینی و تلمیحات اسلامی پررنگ و از تأثیر اسطوره‌های ملی کاسته می‌شود. این داستان‌ها سینه به سینه از سعدی به حافظ و شاعران بعدی رسیده و هر کدام به نوعی به تلمیحات دینی پرداخته‌اند (برای تفصیل بیشتر ر.ک به شفیعی کدکنی: ۲۳۸).

مسأله پژوهش

مسأله اصلی این پژوهش، تحلیل واکاوانه سیمای قارون در میان آثار ادبی از قرن چهار تا قرن هفتم است. با توجه به اهمیت این مسئله در این پژوهش سعی شده است ابتدا به تاریخچه و سبقة داستانی سیمای قارون در قرآن، متون دینی و تفاسیر و بعد از آن به انعکاس سیمای او در متون ادبی پرداخته ایم. در این بررسی میزان تفاوتها و شباهتهایی که در متون مختلف درباره قارون و برخورد موسی (ع) با او بود نمایان شد. در عین حال با توجه به ریشه داستانی این شخصیت تلمیحات و اشارهای شاعران و نویسندگان به قارون و نمادپردازیها در باره او به روشنی بیان شد.

پرسشهای پژوهش

۱. شخصیت قارون تا چه اندازه صحت تاریخی دارد؟
۲. چه تفاوتهایی میان شخصیت قارون در ادبیات فارسی و متون دینی وجود دارد؟
۳. چه عواملی موجب مطرح شدن قارون در ادبیات فارسی شده است؟

فرضیه پژوهش

پس از طرح مسئله پژوهش، دست یابی به نتایجی چند در پایان پژوهش انتظار میرفت. فرض براین بود که ۱. داستان پردازی و استفاده از شخصیتهای قرآنی در متون ادبی به مرور و از اواخر قرن ۴ به دلیل اهمیت دادن پادشاهان غیر ایرانی به مذهب و کم اهمیت شمردن مسائل غیر دینی شروع شده باشد. ۲. قارون و برخورد او با موسی و عبرت آموز بودن او سبب پرداختن به این شخصیت بوده است ۳. شاعران قرن شش و هفت و هشت بیشتر از دیگران به انعکاس سیمای قارون پرداخته اند ۴. قارون در متون مختلف و با مقاصد و اهداف مختلف بیان شده است.

پیشینه پژوهش

باید این نکته را متذکرشوم که در مورد قارون کار جدی‌ای صورت نگرفته است؛ اما در مورد سایر شخصیت‌های داستانی و قرآنی مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی نوشته شده است. برای نمونه نام چند پایان‌نامه کار شده در زمینه شخصیت‌های قرآنی و داستانی را بیان می‌کنیم.

۱. تجلی شخصیت ابراهیم (ع) در ادبیات فارسی تا قرن هشتم، علی‌علیزاده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تربیت معلم. ۱۳۷۴

۲. تجلی شاعرانه سیمای حضرت موسی (ع) در ادب منظوم فارسی (تا اواخر قرن هشتم)، عبدالله آقایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تربیت معلم. شهریور ۱۳۷۷

۳. بررسی شخصیت حلاج، فیروز ولی زاده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و امکانات رایانه‌ای و به صورت فیش برداری (برگه نویسی) و سپس تدوین و سامان‌دهی مطالعات صورت گرفت. مطالعه منابع و مآخذ کتابخانه‌ای و فیش برداری بخش اعظم کار را شامل شد. پس از آن تنظیم و سازمان‌دهی فیش‌ها در چند مرحله صورت گرفت و به این ترتیب نمونه ابتدایی و مقدماتی کار فراهم گشت و با تأیید استادان و نیز اعمال پیشنهادهای و موشکافی‌ها و نازک‌بینی‌های ایشان کار نگارش و تحلیل یافته‌ها به شکل کنونی انجام گرفت، تایپ و ویرایش نیز در چندین مرحله انجام پذیرفت.

بخش دوم

قارون در
تاریخ و
تفاسیر

۲.۱. نام و نسب

«قارون (به عبری: קָרוֹן قورح) یا (قاروج) (خواندمیر، ۱۳۶۲؛ ج ۱: ۹۵) بن یضهر بن قاهت بن لای بن یعقوب» لغت شناسان برای لفظ "قارون" معنی خاصی ذکر نکرده‌اند، به گفته بعضی از آنان ممکن است وجه تسمیه‌اش به خاطر این باشد که او قرین (نزدیک) فرعون بوده است (مصطفوی، ۱۳۶۸؛ ج ۹: ۲۵۱). قارون نامی عبری است، کسی که در اندوختن مال افراط ورزید (فرهنگ معین، ذیل قارون). او از نسل یعقوب و نوادگان لای، پسر یعقوب و از افراد بنی اسرائیل (مصر باستان)، معاصر موسی پیامبر (ع) و به قولی پسر عمو (Wikipedia.org) یا پسرخاله او بود (بحار الانوار، ج ۱۳: ۲۵۲). از امام صادق (ع) نقل شده است که: قارون پسرخاله موسی (ع) بود. قارون و موسی (ع) در پدربزرگشان؛ قاهت مشترک می‌باشند، زیرا پدر موسی (ع) عمران و پدر قارون؛ یصهر، فرزندان قاهت هستند (noorportal.net). بنی اسرائیل قارون را «منون» لقب داده‌اند؛ زیرا او به صباحت منظر معروف و مشهور بود (بروجردی: ۱۹۳). وی از علم و حکمت بهره‌ وافر داشت، به طوری که جمعیت بنی اسرائیل به دو بخش تقسیم می‌شد، موسی - علیه السلام - عهده‌دار قضاوت در یک بخش بود، و قارون دادستان بخش دیگر. چنین به نظر می‌رسد قارون در نزد فرعون مقام عالی داشت؛ به نقلی هامان، وزیر فرعون و قارون خزانه‌دار وی یا عامل و کارگزار فرعون بر بنی اسرائیل بوده است (قرشی، ۱۳۷۶؛ ج ۵: ۳۱۰).

۲.۲. خصوصیات اخلاقی و رفتاری

«در فضل و تقوی بعد از موسی و هارون کسی با قارون برابری نمی‌نمود و پیوسته به عبادت مشغول و تورات را به خوبی و لحن خوشی تلاوت می‌کرد و غالباً در محضر موسی کسب دانش و علوم غریبه می‌نمود (بروجردی: ۱۹۳). او در حالت فقر و تنگدستی به موسی(ع) ایمان آورد. او بسیار خوشرو و متواضع بود و از یاران نزدیک موسی(ع) بود و قرائت بسیار زیبا و درستی از تورات داشت» (www.aftabir.com). «وی از نظر اطلاعات و آگاهی، معلومات قابل توجهی از تورات داشت، نخست در صف مؤمنان بود ولی ضعف ایمان و غرور و ثروت و کمی ظرفیت، او را به آغوش کفر کشانید» (شیرازی، ۱۳۷۴؛ ج ۱۶: ۱۵۲). «قارون و سامری هر دو همین وضعیت را داشتند کهبه ظاهر ایمان آورده بودند ولی در وضعیتی که توانایی مالی و فرهنگی پیدا کردند، کفرشان را آشکار کردند. او در اوایل غاشیه اطاعت آنجناب بر دوش گرفته به قرائت تورات و ادای وظایف عبادات قیام می‌نمود و اقدام می‌نمود و صنعت کیمیا که تا آن‌غایت غیر موسی هیچ‌کس ندانسته بود آموخته بدان‌وسیله کثرت اموال او به مرتبه‌ای رسی/د که جهل بی‌نیازی افراشته در ادای زکات که بر وی واجب بود طریق اهمال مسکوک داشت و به اظهار مخالفت موسی مبادرت جسته احکام تورات را کان لم یکن انگاشت» (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۱: ۹۵).

قارون، داراي ثروت کلاني شد که تنها کلیدهاي خزانه‌هاي ثروت او را شصت قاطر (و به نقلي چهل قاطر) حمل می‌کردند. قرآن در این مورد می‌گوید: «وَ آتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ؛ و ما آنقدر گنج‌ها به او داده بودیم که حمل کلیدهاي آن، براي يك گروه زورمند، مشکل و زحمت